

سخنی دیگر در بازشناسی بیتی از ویس و رامین در کهنترین نوشته فارسی بازمانده در ژاپن

سندی که با نام نامبان مـوـجـی (Namban-moji) (نوشته ای از سرزمینهای جنوب) در مجموعه اسناد اینن یامادا (Einen Yamada) در شهر کیوتوی ژاپن بیادگار مانده، نظر پژوهندگان ژاپنی و ایرانی را از یک سده پیش به خود داشته است و درباره آن مقاله هایی نوشته و انتشار داده اند. فضل تقدم در این میان از آن استاد فقید ژاپنی تورو هاندا (Toru Haneda) (۱۸۸۲-۱۹۵۵ م.) است.^۱ پیش از او نیز یک دانشمند معروف چینی بنام لونژون یو (Luo Zhenyu) در سفری به کیوتو به این سند برخورد کرده و از آن عکس برداشته و این عکس را در مجله هنرهای زیبای چین بنام ژژوئو گوئوگو آنگجی (Shenzhou Guogu Angji) چاپ کرده بود، بی آن که درباره آن شرح و توضیحی دهد.^۲ نیز خاورشناس معروف فرانسوی بنام پلیوت (Paul Pelliot) به دیدن آن مجله چینی به موضوع علاقه پیدا کرد و با استفاده از آن عکس مقاله ای زیر عنوان «قدیمترین اثر خط عربی در چین» در مجله علمی آسیایی (Journal Asiatique) بچاپ رسانید.^۳

از همه آنچه که گفته و نوشته اند بر می آید که این سند حاوی دو بیت و یک رباعی فارسی است که در سال ۱۲۱۷ میلادی، یعنی بیش از هفتصد سال پیش، با قلم و مرکب چینی به خط نسخ بر کاغذ ژاپنی عصر کاماکورا (Kamakura)^۴ به عبارت زیر نگاشته شده است:

• دوست دانشمند خانم دکتر امیکو اوکادا استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، ژاپن، که اینک سرگرم ترجمه منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی به زبان ژاپنی است به تقاضای من این مقاله را نوشته است. با سپاسگزاری از خانم اوکادا.

جهانی خرمی با کس نماند
 جهانی یادگارست ما رفتنی
 فلک روزی دهد روزی ستاند
 بمردم نماند بجز مردمی

گر در اجلم مسامحت خواهد بود
 یعنی خلیف کرد دل من کی بود(؟)
 روشن کنم این دیده به دیدار تو زود
 بدرود منست تو ز من بدرود^۵
 پیداست که اهمیت موضوع از نظر پیشینه راه یافتن متون فارسی دری به ژاپن است نه از نگاه به محتوای سخن.^۶

برابر یادداشتی که در حاشیه این سند به خط ژاپنی نوشته شده این اثر را کیوئه‌سه‌ی (Kyōsei) راهب بودایی ژاپنی از چین برای استاد خود میوئه (Myōe) راهب معبد کوه‌زان - جی (Kōzan-ji) در شهر کیوتو فرستاده است.

توئه‌رو هاندا که درباره تاریخ و تمدن و زبانهای آسیای مرکزی، چین، مغولستان و ایران پژوهشهای گسترده دارد و نخستین دانشمندی است که این سند را بازیافته، در مقاله‌ای زیر عنوان «یک سند فارسی محفوظ در ژاپن» یادآور شده است که در سال ۱۲۱۷ میلادی راهب ژاپنی بنام کیوئه‌سه‌ی (Kyōsei) (۱۱۸۹-۱۲۶۸ م.) در سفر دریایی از بندر زیتون^۷ به سه مسافر ایرانی در کشتی بر می خورد و آنها را از مردم هند می‌پندارد. کیوئه‌سه‌ی از این مسافران خواهش می‌کند که به خط خود چیزی بر کاغذ او به یادگار بنویسند. یکی از ایشان دو بیت و رباعی^۸ یاد شده را می‌نویسد. پیداست که راهب ژاپنی از آن نوشته چیزی نمی‌فهمد، اما چنین می‌انگارد که آن از ادعیه بودایی باشد. پس آن را با خود به ژاپن می‌برد و به استادش میوئه (Myōe) که شیفته هند، خاستگاه آیین بودا، و فرهنگ این سرزمین بوده است پیشکش می‌کند. اما میوئه نیز نمی‌تواند این ابیات را بخواند و نوشته را به معبد هوئه‌بنجی - این (Hōbenchi-in) که از شاخه‌های معبد بودایی کوه‌زان - جی (Kozan-ji) در کیوتو است، می‌سپارد.

این سند اکنون در مجموعه متعلق به اینن یامادا (Einen Yamada) در شهر کیوتو پیادگار مانده و در اختیار وارثش خانم میتسوکویامادا (Mitsuko Yamada) است و از گنجینه‌های ملی ژاپن شناخته می‌شود.

درباره مأخذ بیت‌های یاد شده در این سند، گویندگان آن، و درست خواندنش استاد توئه‌رو هاندا در مقاله خود که بسال ۱۹۱۰ نوشته شده از قول پژوهنده‌ای هندی بنام برکت‌الله گفته است که یکی از این ابیات از شاهنامه فردوسی است. دانشمند فقید مجتبی مینوی نیز در پاسخ پرس و جوی این نگارنده تعلق آن بیت را به شاهنامه فردوسی

تأیید کرد و آن را چنین خواند:

جهان یادگارست [و] ما رفتنی بمردم نماند بجز مردمی
استاد کورو یاناگی نیز ضبط‌های دیگری از این بیت را از نسخه‌های گوناگون
شاهنامه یافته و در مقاله خود آورده است.^۸ اما مأخذ بیت نخست و نیز رباعی نوشته شده
در این سند تا کنون ناشناخته مانده بود، تا نگارنده اخیراً در کار ترجمه منظومه عاشقانه
ویس و رامین به روایتی از این بیت برخورد و برایم آشکار شد که این بیت از سروده کهن
فخرالدین اسعد گرگانی گرفته شده است.

در نسخه ویراسته استاد مینوی و نیز نسخه استاد محبوب که مبنای کارم در ترجمه
این اثر به ژاپنی است، این بیت چنین آمده است:

بهار نیکوی بر کس نماند جهان روزی دهد روزی ستاند^۹

اما در سند بازیافته در ژاپن این بیت چنین ضبط شده است:

جهانی خرمی با کس نماند فلک روزی دهد روزی ستاند

با عنایت به این که سند یاد شده و نوشته آن به هفتصد سال پیش باز می‌گردد،

می‌توان از نظر تاریخی درخور اهمیتش دانست و نکته‌هایی را درباره آن برشمرد:

• نقل و ثبت این بیت از آثار کهن ادب پارسی از سوی مسافری پارسی‌دان، و شاید

ایرانی، برای راهب ژاپنی خود نمودار قدمت روابط فرهنگی ایران و ژاپن است.

• نگارش این بیت از سروده ویس و رامین بوسیله مسافری پارسی‌دان در هفتصد سال پیش

آن هم از روی یادداشت ذهنی و در سرزمینی دور دست نشانه شیفتگی عامه به منظومه

جاودان فخرالدین اسعد گرگانی است.^{۱۰}

• قدمت سند محفوظ در ژاپن شاید بتواند نشانه درستی روایت بیت نخستین نسبت به

ضبط نسخه ویراسته استاد مینوی و استاد محبوب باشد. بویژه که در نسخه محفوظ در

کتابخانه بادلیان آکسفورد و نسخه کلکته چاپ ۱۸۶۵ م. نیز «بهار خرمی» آمده است،

نه «بهار نیکوی».

• کسره اضافه را در قدیم گاهی بصورت «ی» می‌نوشتند و می‌خواندند. نشانه اضافه به

این صورت که بعدها از رواج افتاد در لهجه اصفهانی امروز بازمانده و در «جهانی

خرمی» آشکار است.^{۱۱}

این گمان هم بیراه نیست که بازرگانان نویسنده این شعرها از پارسی زبانان هند

بوده‌اند، زیرا که از یک سو ارتباط ایرانیان با ژاپن و خاور دور در آن روزگار بیشتر از راه

هند بوده است و نیز قلمرو زبان فارسی گسترده بوده و از مردم شبه قاره هند هم با آن آشنا

بوده‌اند، چنان که پارسی قرن‌ها زبان ادبی شبه قاره و زبان اداری و درباری پادشاهی مغولی هند بوده است. طبیعی بنظر می‌آید که مردم هند سخن پارسی را با لهجه خود تلفظ می‌کرده و گاه در اضافه و نیز در غیر اضافه «ی» در آخر کلمه می‌خوانده‌اند. نگاهی به ضبط آغازبیت دوم، «جهانی یادگارست...» این نظر را قوت می‌بخشد.

• این احتمال را نیز باید در پیش چشم داشت که دوبیت نخست و رباعی در این سند به دست دو کس از بازرگانان یاد شده نوشته شده باشد، نه تنها به خط یکی از آنان. تفاوت شیوه نگارش پاره‌ای از حروف مانند «ح»، «د» و «و» نمایان است. در این باره به کندوکاو باریک‌بینانه‌تری از نظر خط‌شناسی نیاز است.

پانوشتها:

- ۱ - نگاه کنید به نوشته‌های زیر:
 - توه‌رو هاندا (Toru Haneda)، «یک سند فارسی محفوظ در ژاپن» (۱۹۱۰) (به ژاپنی)، در مجموعه مقاله‌های هاندا، بخش ۲، ۱۹۵۸، کیوتو، ص ۲۰۴-۲۱۴
 - شینجی مانه جیما (Shinji Maejima)، «ایرانیان در بندر زیتون و پوشوگنگ» (به ژاپنی)، در مجله تاریخی، جلد ۲۵ (۱۹۵۲)، شماره ۳.
 - امیکو ناکامورا (اوکادا) (Emiko Nakamura (Okada))، مقایسه حماسه‌سرایی ایران و ژاپن، رساله دکتری دانشگاه تهران؛ و «نخستین پادشاه در حماسه ملی ایران»، مجموعه سخنرانیهای نخستین جشن طوس، ۱۳۵۵، تهران.
 - ایرج انشار، بیاض سفر، ۱۳۵۴، تهران، ص ۱۱۰-۱۱۳.
 - تسونو کورو یاناگی (Isuneo Kuroyanagi)، «اعتقاد فردوسی به سرنوشت در شاهنامه» در راهنمای کتاب، جلد ۲۰ (۱۳۵۷)، شماره ۷-۱۰، ص ۵۷۰-۵۸۰؛ «در باره شعر وارد شده به ژاپن» در یادنامه پروفیسور گامو (به ژاپنی)، ۱۹۸۷، توکیو، ص ۲۱۲-۲۲۳.

۲ - Luo Zhenyu; *Shenzhou Guoguangji*, No. 4-10(1909), Shanghai, China.

۳ - Paul Pelliot; "Les plus anciens monuments de l'écriture Arabe en Chine, avec des notes de MM. Clément Huart et Denison Ross." (*Journal Asiatique*, 1913, Juillet-Aout, p. 184)

(بنقل از مقاله شینجی مانه جیما)

۴ - کاماکورا، نام دوره تاریخی ژاپن میان سالهای ۱۱۸۵ و ۱۳۳۳ میلادی است.

۵ - استاد فقید مجتبی مینوی این شعرها را برای من چنین خواند:

جهان خرمی با کس نماند	فلک روزی دهد روزی ستاند
جهان یادگارست و ما رفتنی	بمردم نماند بجز مردمی

گر در اجلم مسامحت خواهد بود
روشن کنم این دیده بدیدار تو زود

یعنی خلیق گردد این چرخ کبود
بدرود من از تو و تو از من بدرود

به گمان این نگارنده در بیت اخیر اگر پس از «یعنی» (که) بیفزایم شعر دست کم از نظر وزن درست در می‌آید. نیز،

نیمه دوم این بیت را بصورت زیر هم می توان خواند: بدرود من است از تو توازن بندرود.

۶ - پللیوت (Paul Pelliot) نیز در مقاله یاد شده گفته است که این نوشته خط عربی چندان مهمی بنظر نمی رسد و اگر اهمیتی داشته باشد در این است که کهنترین نوشته به خط عربی است که تاکنون در خاور دور یافته شده است. او افزوده است که تصویر این نوشته که در مجله چینی چاپ شده بوده روشن نیست و معنی آن هم درست فهمیده نمی شود. با این همه پللیوت در آن وقت با همکاری کلمان هوار (C. HUART) استاد رشته زبانهای آسیایی در دانشگاه پاریس، شعر را به همان صورت ترجمه کرده و گفته است که شعر این مند خیلی سردستی و نادرست نوشته شده و درخور توجهی نیست و گمان می رود که بازرگانان این شعر را نوشته اند.

۷ - در لغت نامه دهخدا درباره این بندر چنین آمده است: «بندر زیتون در نزد مؤلفین عرب و ایرانی در قرون وسطی نام شهر امروزی چانگ چنوو (Tchang Tchou) بوده است که بندری است در چین شرقی بر ساحل دریای چین مقابل فرمز تقریباً به خط مستقیم پانصد کیلومتر در مشرق مایل به شمال کانتون و جزو ایالت فوکین (Fu-Kien) امروزی است که این بندر در عهد مغول اهمیتی بس عظیم داشته است.» (ص ۶۰۵).

در دایرة المعارف فارسی در شرح ویژه ساتن درباره بندر زیتون گفته شده است: «زیتون شاید نام عربی بندر نوتینگ (Isuting) (چوانچر) حالیه در ایالت فوکین (Fu-Kien چین) بوده است که در قرون وسطی از بنادر مهم چین بوده است.»

-۸-

جهان یادگار است و ما رفتنی ز مردم نماند جز از گفستنی
(شاهنامه، چاپ ابن سینا، جلد ۳، ص ۱۴۹۹)

جهان یادگار است و ما رفتنی به گفستنی نماند بجز مردمی
(شاهنامه، چاپ مکتو، جلد ۶، ص ۲۹۸)

۹ - نگاه کنید به: ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، ۱۳۱۴، تهران، ص ۳۶۱؛ ویس و رامین، تصحیح م.ج. محجوب، ۱۹۵۹، تهران ص ۲۷۳؛ ویس و رامین، تصحیح ماکالی تودا - الکساندر گواخایا، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۷۶.

۱۰ - واقع این است که منظومه ویس و رامین تا آنجا در میان عامه رواج یافته بود که بخاطر بی پردگی آن در سخن و بیرون شدنش از حد شرم متعارف، خواندن آن را برای زنان روا نمی دانستند، چنان که عبید زاکانی در رساله صد پند (شماره ۵۰) نوشته است: «از خاتونی که قصه ویس و رامین خواند و مردی که بنگ و شراب خورد مستوری و ک... درستی توقع مدارید.» (کلیات عبید زاکانی، چاپ اقبال، ۱۳۴۰، تهران، ص ۵۵).

سخن اوحدی نیز در این باره شنیدنی است:

زن بسد را قلم به دست مده ز آن که شوهر شود سیه جامه
چرخ زن را خدای کرد بحل کاغذ او کفن دواتش گور
او که بی نامه نامه تاند کرد دور دار از قلم لجاجت او
او که الحمد را نسکرده درست

دست خود را قلم کنسی آن به دست خاتون شود سیه نامه
قلم و لوج گوبه مرد بهل بس بود گر کند به دانش زور
نامه خوانی کند چه داند کرد تو قلم می زنی چه حاجت او
ویس و رامین چراش باید جست

۱۱ - استاد محمد معین در کتاب اضافه به این نکته اشاره می کند و شعر زیر را از تاریخ میستان شاهد می آورد:

همواره سری کار تو با نیکان باد تو میر شهید و دشمنت ماکان باد

(محمد معین، اضافه، ۱۳۴۱، تهران ص ۲۸)

چهارم حجری با کتف نماند
 فلک روزی که در عهد و زکی است مانند
 دهانی با احوال سسما اوقسی
 صورت مرصا لطفی در هر کس



نکرد را حلم ساهم نخواهد بود
 روشن کم این دیده بدیدار تو زرد
 سعی خلیف کرد در این کبود
 بدره ر منست تو ز من بدرود

۴۴

سخن در بازشناسی بینی از...
 در عهد و زکی است مانند
 دهانی با احوال سسما اوقسی
 صورت مرصا لطفی در هر کس

سخن در بازشناسی بینی از...
 در عهد و زکی است مانند
 دهانی با احوال سسما اوقسی
 صورت مرصا لطفی در هر کس